

شاخصه‌های فردی و اجتماعی حیات طیبه در قرآن کریم (در آینه آمال انبیاء و اولیاء)

مقاله پژوهشی
اصیل
Original
Article

راضیه مظفری^۱

چکیده

هدف: از این پژوهش، شناسایی شاخصه‌های فردی و اجتماعی حیات طیبه با توجه به آمال پیامبران و مؤمنان است. **روش:** این تحقیق از حیث هدف، کاربردی است و از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. **یافته‌ها:** از آنجا که پیامبران و مؤمنان حقیقی از راه‌یافتگان به حیات طیبه به شمار می‌روند، دعاها و آرزوهای فردی و اجتماعی آنان می‌تواند بیانگر شاخصه‌های فردی و اجتماعی حیات طیبه باشد. آرزوهایی که به بُعد اجتماعی حیات مؤمنین تعلق دارد، با توجه به برخی آیات و روایات، به‌طور اتم و اکمل در جامعه آرمانی عصر ظهور تحقق خواهد یافت. **نتیجه‌گیری:** با توجه به آرزوهای بیان شده از لسان انبیا و اولیا در قرآن، شاخصه‌های فردی و اجتماعی حیات طیبه به ترتیب عبارتند از: دریافت حکمت و پیوستن به صالحان، عبودیت حقیقی، برخورداری از هدایت الهی و...؛ نق اقتصاد، امنیت پایدار و فراگیر، سلب قدرت دشمنان و پیروزی بر آنان، تزکیه امم و...

واژگان کلیدی: قرآن، حیات طیبه، آرزو، انبیاء و اولیاء

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

◇ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث، استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق

پستی: ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران. Email: r.mozaffari@cfu.ac.ir

۱. مقدمه

حیات طیبه، همان حیات حقیقی و برتری است که انسان در بستر حیات دنیا شایستگی ورود به آن را کسب می‌کند. قرآن کریم، نیل به حیات طیبه را مشروط به دو عامل اساسی ایمان و عمل صالح می‌داند: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل، ۹۷). متعلقات ایمان در قرآن کریم عبارتند از: ایمان به خداوند (بقره، ۲۷۸)، روز آخرت (بقره، ۴)، فرشتگان الهی (نساء، ۱۵۲)، غیب (بقره، ۴)، انبیای الهی (نساء، ۱۵۲)، کتب آسمانی (تحریم، ۱۲) و... از سوی دیگر، خداوند متعال با ترسیم بخش‌هایی از زندگی پیامبران و مؤمنان حقیقی که به حیات طیبه نائل شده‌اند، از انسان‌ها می‌خواهد تا در مسیر ایمان و عبودیت، با الگوگیری از آن‌ها از ظلمات حیات دنیوی به نورانیت حیات طیبه هجرت نمایند. (احزاب، ۲۱؛ ممتحنه، ۴ و ۶). یکی از جلوه‌های الگوگیری از انبیاء و مؤمنان در این است که انسان مؤمن، آرزوهای خود را هم‌جهت با آرزوی آن‌ها قرار دهد. چراکه آرزو و امید؛ به‌مثابه زیربنای ترسیم آینده، برای هر فرد و جامعه‌ای که قصد نیل به اهداف مترقی را داشته باشد، ضروری است. به‌بیان‌دیگر؛ آرزوها همواره نشان‌دهنده‌ی واکنش‌های رفتاری افراد در قبال محدودیت‌ها و محرومیت‌های تحمیل شده از جانب محیط پیرامونی در هر عصر و زمانی هستند که به آن‌ها قدرت اثربخشی بر تصمیمات و رفتارهای سایر افراد جامعه را می‌دهد و به همین دلیل به‌عنوان محرک روانی انسان‌ها در حرکت به سمت جامعه آرمانی شناخته می‌شوند. حال اگر هدف‌گذاری کلان برای یک جامعه انسانی؛ عبودیت حقیقی (ذاریات: ۵۶) و رسیدن به حیات طیبه (نحل، ۹۷) باشد؛ ضروریست آرزوهایی طراحی و تبیین شوند که با این سطح از هدف‌گذاری همخوانی کامل داشته باشند، زیرا تنها با انتخاب آرزوهای سازنده و مبتنی بر مسیر قرب الهی می‌توان ملزومات تحقق هدف غایی خلقت را فراهم کرد.

در این نگاه، انسان مؤمن در راستای تحقق هدف غایی آفرینش که همانا دستیابی به مقام بندگی است، نیازمند حضور در جامعه‌ای است که حرکت آن بر اساس آرزوهای سازنده شکل گرفته باشد. مهم‌ترین منبع معرفتی این آرزوها در قرآن کریم؛ آمال انبیاء و مؤمنان معرفی شده و اگر انسان بتواند پس از شناخت این آرزوها در مسیر تحقق آن‌ها گام بردارد، می‌تواند به درک آرمان‌شهر وعده داده شده در قرآن کریم امیدوار باشد که خداوند در خصوص آن می‌فرماید: «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان‌گونه که

کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند.» (نور: ۵۵)

۲. پیشینه تحقیق

در بررسی‌های انجام شده در زمینه پیشینه مبحث حیات طیبه، به کتاب‌ها و مقالات متعددی دست می‌یابیم که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- «حیات طیبه از منظر علامه طباطبایی (ره)»: کتابی به قلم صدیقه رضایی که در آن به چیستی و حقیقت حیات طیبه، عوامل و موانع وصول به آن از منظر علامه پرداخته است.
- کتاب «به سوی حیات طیبه» اثر محمدرضا میرتاج‌الدینی که به سبک زندگی از دیدگاه آموزه‌های اسلامی و دستورات و سیره عملی زندگانی معصومین (ع) پرداخته است. در مباحث ارائه شده در این اثر با بهره‌گیری از آیات و روایات به بررسی سبک زندگی اسلامی به‌ویژه برای جوانانی که در آستانه تشکیل خانواده هستند پرداخته شده و مباحثی در مورد آموزه‌های اسلامی در زمینه سبک زندگی در عبادت، مصرف، معاشرت با مردم، مدیریت، سیاست، اخلاق، مسائل اجتماعی و مسائل فرهنگی مطرح شده است. در همین زمینه مؤلف بر ضرورت ولایت محوری در تمام شاخص‌های زندگی تأکید ورزیده و موانع آن را بیان نموده و به آسیب‌شناسی خانواده از لحاظ اخلاقی و فرهنگی پرداخته و هشدارهایی را در مورد بی‌توجهی به عفاف، تأثیرپذیری از رسانه‌های غربی، تقویت بصیرت دینی و تقویت اخلاق و اعتقادات مطرح نموده است.
- صدیقه چراغی در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی آراء علامه جعفری و آیت‌الله جوادی آملی در خصوص حیات طیبه و جنبه‌های تربیتی آن» به بیان دیدگاه‌های ایشان در مورد ویژگی‌های حیات طیبه و استخراج جنبه‌های تربیتی آن پرداخته است. بر اساس دیدگاه این دو متفکر برخی از راهکارهای تربیتی پیشنهادی برای تحقق حیات طیبه عبارتند از: پرورش فطرت و روح حقیقت‌جو، پرورش خیرخواهی، تصعید احساسات بر اساس عقل سلیم، هماهنگی بین عقل و دین، محوریت محبت و تواضع در حیات انسانی و...
- «حیات طیبه از دیدگاه قرآن» پژوهشی از مظاهری سیف است که بیان می‌کند: حیات طیبه در عالم «عندالله» و در تحت ولایت حق تعالی برای اولیای خدا تحقق می‌یابد و معیار برخورداری از آن، ایمان و بردباری در جهاد با هواهای نفسانی است. در مقابل

حیات طیبه، حیات مادی در عالم موهوم دنیا و تحت ولایت شیطان با معیار شرک صورت‌بندی شده است و در اثر غلبه هوس‌ها و نفسانیت بشر را گرفتار می‌کند.

- فرخنده دیسناد (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی و تبیین حیات طیبه از دیدگاه قرآن کریم و آرمان‌شهر لیبرالیسم و اهداف تربیتی آن‌ها» به بررسی آرمان‌شهر اسلام و لیبرالیسم، مولفه‌های آرمانی هر دو مکتب و هدف‌های تربیتی منبث از آن‌ها پرداخته است و ضمن بیان وجوه تشابه و تمایز دو مکتب، نقد آرمان‌شهر لیبرالیسم را نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. همچنین بیان می‌دارد که آرمان‌شهر لیبرالیسم به جای توجه به انسان کامل و ایده‌آل به جامعه کامل و پیشرفته توجه می‌کند و آرمان‌شهر رادر قالب جامعه تعریف می‌کند که دارای ویژگی‌هایی چون آزادی، عقلانیت، مسئولیت‌پذیری، تکلیف‌پذیری، حقوق شهروندی و... است.

پژوهش‌های مذکور و سایر تحقیقات انجام شده در این راستا حاکی از آن است که به‌رغم تلاش‌های علمی صورت گرفته پیرامون حیات طیبه، عنوان یا محتوای پژوهشی مشابهی که خط‌مشی حاکم بر این تحقیق (بررسی چگونگی ارتباط حیات طیبه با آمال انبیا و اولیا و دستیابی به شاخصه‌های فردی و اجتماعی آن) را دنبال کند؛ بدست نیامد و لذا به نظر می‌رسد، این نگرش بدیع به مقوله آرزو و حیات طیبه، در نوع خود می‌تواند قابل تأمل و نظر باشد.

۳. مفهوم‌شناسی

در ابتدا بیان مفهوم لغوی و اصطلاحی حیات طیبه و آرزو ضروری می‌نماید:

۳-۱. حیات طیبه

طیب در لغت به چیزی اطلاق می‌شود که فی‌نفسه مطلوب و به‌دور از آلودگی ظاهری و باطنی باشد و قطعه مقابل آن، خبیث است؛ یعنی چیزی که ظاهراً و باطناً آلوده و فی‌نفسه مایه اکراه است و نیز، طیب به چیزی که حواس و نفس از آن لذت ببرد اطلاق شده است. طیب به معنای پاک و حلال و طیبیه به معنی پاک، حلال و امثال آن است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۲۷)

واژه طیب در قرآن نیز به چیزهای پاکیزه معنا شده که موافق طبع سالم انسانی است، قطعه مقابل خبیث که طبع آدمی از آن تنفر دارد؛ و نیز بیان کرده‌اند که طیب هر چیز، آن فردی است که برای چیز دیگر سازگار و در برآمدن حاجت آن دخیل و مؤثر باشد، مثلاً شهر طیب آن شهری است که برای زندگی اهلس سازگار و دارای آب و هوایی ملایم و رزقی پاکیزه باشد و کار و کسب و سایر خواسته‌ها برای اهلس هم فراهم باشد که خدای تعالی درباره

چنین شهری می‌فرماید: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ» (الاعراف، ۵۸) (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۳، ص ۱۷۵).

۳-۲. آرزو

آرزو در لغت به معنای شهوت، اشتها، خواهش، مراد، چشمداشت، شوق، امید، آرمان، توقع و انتظار، مطلوب، دلخواه (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱، ۷۵) و جمع آن آرزوها، به معنای اطماع، اشواق، شهوات، اهواء و حاجات است. (معین، ۱۳۸۱: ۶۳) آرزو کردن نیز به معنای خواهش کردن و درخواست کردن است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱، ۷۵) معادل انگلیسی واژه آرزو، aspiration (پورافکاری، بی تا: ج ۱، ۵۷) و معادل واژه آرزو کردن – to like to to wish to است. (روحی بعلبکی، ۲۰۰۵: ۲۲۷) آرزو در اصطلاح عبارت است از؛ نیرویی حیاتی که موجود را به تحریک وامی‌دارد و انسان به موجب آن، هدف‌هایی را به منظور تحقق بخشیدن به آن‌ها برای خود در نظر می‌گیرد و انرژی خود را در راه رسیدن به آن هدف و آرمان صرف می‌کند. (محمود، دادستان، راد، بی تا: ۵۹)

۴. ارتباط بین آمال انبیاء و اولیاء با حیات طیبه

آیاتی از قرآن کریم به بیان این حقیقت می‌پردازد که حیات معمولی و پست این دنیا نمی‌تواند آرمان و آرزو و ایده‌آل نهایی انسان تلقی شود، زیرا این دنیا در عین جذاب بودن، حقیقتی است ابتدایی، نه متعالی و نهایی؛ لذا قرآن از این حیات، با تعبیری همچون متاع فریبنده، لهو و بیهوده، بازی، متاع اندک و... نام می‌برد. (آل عمران، ۱۸۵؛ انعام، ۳۲؛ توبه، ۳۸؛ رعد، ۲۶؛ عنکبوت، ۶۴). در میان انسان‌ها کسانی هستند که حیات دنیا را نهایت آمال و آرزوی خود قرار داده، با تمام توان در این راه تلاش می‌کنند و سرانجام در خواهند یافت که در پی سراب بوده‌اند؛ چراکه حقیقت دنیا چیزی جز این نبوده است. (حدید، ۲۰) در مقابل، انسان‌هایی با درک این حقیقت که حیات دنیا گذرگاه و وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف نهایی خلقت «وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ» (نجم، ۴۲)؛ لذا آمال و آرزوی خود را در جهت قرب الهی قرار داده و در راه رسیدن به آن تلاش می‌کنند. خداوند متعال هم در قرآن کریم وعده داده است که به هر دو گروه یاری خواهد کرد: «كَلَّا نُمَدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» (اسراء، ۲۰) یاری خداوند به گروه دوم که با ایمان و عمل صالح آرزوی رسیدن به مقام قرب الهی دارند، زنده نمودن آن‌ها به حیاتی حقیقی و جدید است که قرآن آن را با وصف طیب توصیف نموده است. پیامبران الهی و مؤمنان راستین که از رهروان مسیر قرب الی الله بوده و به حیات طیبه نائل آمده‌اند، می‌توانند اسوه و

راهنمایی برای رهپویان قرب الهی باشند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ...» (ممتحنه، ۴). از آنجا که قرآن کریم عمل صالح را در کنار ایمان، راه رسیدن به حیات طیبه معرفی نموده و از آنجا که نیروی محرکه‌ی انسان در انجام هر عملی، میل، طلب و آرزوی اوست، لذا این پژوهش در راستای الگوگیری از اسوه‌های هدایت، بر آن است تا با احصای آرزوهای پیامبران و مؤمنان که طعم حیات طیبه را چشیده‌اند، دریابد که این حیات طیب چه شاخصه‌هایی دارد تا هر انسانی که در طلب رسیدن به این حیات برتر است، این موارد را آمل و آرزوی خود قرار داده، در قالب دعا آن‌ها را از خداوند بخواهد و همت و توان خود را در راه رسیدن به آن‌ها قرار دهد. خاطر نشان می‌سازد؛ قرآن کریم در پاره‌ای از آیات، با ذکر برخی از ادعیه انبیاء و مؤمنان به معرفی مصادیق آرزوهای سازنده‌ای که بیانگر ارزش‌های درونی آن‌هاست، می‌پردازد. هرچند هر یک از واژگان آرزو و دعا، مفهوم خاص خود را دارند، لیکن این دو مفهوم مستقل، گاهی به صورت یک مصداق مشترک جلوه‌گر می‌شوند. «آرزو»؛ یعنی طلب مفقود و «دعا»؛ به معنای خواندن و در معنای خاص آن مناجات با خداوند و درخواست حاجت از مبدأ کمال می‌باشد. انسان موحد که به مقتضای فطرت همواره در مسیر رسیدن به کمال و فرار از نقص، در حرکت است، برای رسیدن به مطلوب مفقود خود، از خداوند یاری می‌خواهد و با دعای خویش رسیدن به همه کمالات و دوری از همه نقص‌ها را می‌طلبد. از آنجا که پیامبران نیز از مرتبه نامتناهی حضرت حق فاصله‌دارند و با عنایت به این نکته که حقیقت هر آرزویی همان طلب نامتناهی است لذا انبیاء الهی نیز به تبع روح بلند و لطیفشان آرزوهای والایی داشته‌اند که در قالب دعا آن‌ها را از خداوند طلب نموده‌اند.

۵. شاخصه‌های فردی حیات طیبه

با بررسی الفاظی در قرآن نظیر (رَبَّنَا وَرَبِّ) به مجموعه‌ای از دعاها و آرزوهای مؤمنان دست می‌یابیم که با توجه به آیات قرآن کریم روشن می‌شود هر کدام از آن‌ها بیانگر یکی از ویژگی‌های حیات طیبه است که در این بخش، به آرزوهایی که بیانگر شاخصه‌های فردی حیات طیبه است پرداخته می‌شود:

۵-۱. هدایت

خداوند متعال در قرآن کریم از دو هدایت سخن می‌گوید. هدایت اولیه که ارسال رسل، انزال کتب و مفظور نمودن انسان به فطرت خداجویی است و هدایت ثانویه که خداوند آن را به عنوان پاداش به کسانی که هدایت اولیه را پذیرفته‌اند عطا می‌کند: «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ

هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ» (محمد، ۱۷). از آنجا که خداوند متعال، راه رسیدن به حیات طیبه و نیز راه رسیدن به هدایت اعطایی را ایمان و عمل صالح معرفی می‌کند: «من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحییه حیاة طیبه» (نحل، ۹۷)؛ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ» (یونس، ۹)، روشن می‌شود که هدایت اعطایی از نشانه‌های ورود انسان به حیات طیبه است؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین آرزوهای انسان مؤمن این است که خداوند متعال، او را به راه خود هدایت کرده و هر لحظه بر این هدایت بیفزاید؛ لذا در هر شبانه‌روز لااقل ده بار پس از اظهار تسلیم در برابر پروردگار و وصول به مرحله عبودی و استعانت و استمداد از ذات پاک او نخستین تقاضایش این است که او را به راه راست، راه پاکی و نیکی و راه ایمان و عمل صالح هدایت بفرماید: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه: ۶) البته مفسران در ذیل تفسیر این آیه به معرفی مصادیقی از صراط مستقیم پرداخته‌اند که عبارت است از: اسلام (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۵)، کتاب خداوند (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۱، ۵۸)؛ راه فطرت سالم (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۸۶)؛ راه خداوند، راه انبیاء، راه بندگی خدا، تکیه و توکل بر خدا... (قرآنی، ۱۳۸۳: ج ۱، ۳۰)

صاحب تفسیر المیزان نیز پس از آنکه توضیحاتی در زمینه تفاوت صراط و سبیل بیان می‌دارد، در رابطه با صراط مستقیم می‌گوید: «همان‌طور که صراط مستقیم مافوق همه سبیل‌ها است، همچنین اصحاب صراط مستقیم که خدا آنان را در آن صراط جای داده، مافوق سایر مردم‌اند. چون خدای تعالی امور آنان را خودش بر عهده گرفته و امور مردم را به عهده آنان نهاده و امر هدایت ایشان را به آنان واگذار نموده و فرموده: «وَمَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء: ۶۹) و نیز فرموده: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵) که به حکم آیه اول، صراط مستقیم را صراط انبیاء و صدیقین و شهدا و صالحین دانسته و به حکم آیه دوم با در نظر گرفتن روایات متواتره، صراط را امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) شمرده و آن جناب را اولین فاتح این صراط دانسته است.» (رک: طباطبایی، ۱۴۰۲: ج ۱، ۳۶-۳۳)

با این توضیحات مشخص می‌شود که یکی از آرزوهای اصلی مؤمنان، هدایت است و مصداق بارز این هدایت یافتگی، همراهی و پیروی از ولایت است.

۲-۵. رهایی از لغزش‌ها و نزول رحمت الهی

نزول رحمت الهی نیز از شاخصه‌های حیات طیبه است که مشروط به ایمان و عمل صالح است. «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ» (جائیه، ۳۰)

از آنجا که آیات متشابه و اسرار نهانی آن ممکن است لغزشگاهی برای افراد گردد، راسخون در علم، اعلام می‌کنند که به هر دودسته از آیات ایمان آورده‌اند: «وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل عمران: ۷) آن‌ها علاوه بر به کار گرفتن سرمایه‌های علمی خود در فهم این آیات به پروردگار خویش پناه می‌برند و از خدا می‌خواهند که دل‌های آنان را بعد از هدایت، منحرف نسازد. «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (آل عمران: ۸)

این درخواست، یکی از آثار رسوخ و ثبات آنان در علم است؛ چون خدا را آن‌طور که باید شناختند، یقین کردند که از ناحیه خود مالک هیچ چیز نیستند و مالکیت منحصر در خدای عزوجل است و چون چنین ایمانی دارند، درهرحال این ترس را دارند که خدا دل‌هایشان را بعد از رسوخ علم، منحرف سازد (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۳۹) و یا از یقین و اطمینان منحرف گرداند. (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۳، ۲۴۲)

از آنجا که مؤمنان در طریقی گام برمی‌دارند که به انواعی از رحمت نیازمندند لذا از خداوند ریزش رحمتش را تقاضا می‌کنند: «... وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» «ذکر این نکته در اینجا ضروریست که اگر کلمه (رحمت) را به صورت اسم نکره آورده و آن را به وصف (من لدنک) توصیف نموده، برای این است که خود آنان هم اطلاع مفصلی از آن ندارند و نمی‌دانند که آن رحمت چه طور باید باشد، تنها این را می‌دانند که اگر رحمتی از پروردگارشان شامل حالشان نشود، هیچ‌یک از حوائجشان برآورده نگشته و هیچ امری از ایشان به سامان نمی‌رسد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۳، ۴۶)

۳-۵. نیل به مقام عنداللهی

میان انسان و خداوند تعالی عهد و پیمانی است که پاسداری از آن درهای معنویت را می‌گشاید و آدمی را به نزد خدا یا عالم «عندیت» می‌رساند: «وَلَا تَشْتُرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ تَمَنَّا قَلِيلًا إِنْ مَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (نحل، ۹۵) خداوند متعال، در ادامه این آیه، به کسانی که بر عهد الهی شکیبایی ورزیده‌اند و ایمان و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده حیات طیبه داده است: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا

كَأَنَّهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۶ و ۹۷)؛ بنابراین، ورود به عالم عنداللهی (توحید در ربوبیت و عبودیت حق تعالی) یکی از شاخصه‌های حیات طیبه است.

ورود به عالم عندالله، آرزویی است که از زبان آسیه همسر فرعون، در قرآن بیان شده است. آسیه در آخرین لحظات عمرش از خداوند می‌خواهد که در جوار خود خانه‌ای در بهشت برایش بنا کند. خداوند این دعا را برای مؤمنان مثال زده و به عبارتی سطح عالی دعا و آرزو را برای مؤمنان مشخص کرده است: «و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا همسر فرعون را مثل آورده، آنگاه که گفت: پروردگارا! پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان.» (تحریم: ۱۱)

او همچنین در دعای دیگری بیزاری خود را هم از فرعون و مظلومش و هم از جامعه آلوده آن زمان اعلام می‌دارد و از خدا می‌خواهد که او را از این جامعه و حاکمان ظالم‌های بی‌بخشد: (وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ). از این رو قدمی که همسر فرعون در راه بندگی خدا برداشته است، می‌تواند برای همه پویندگان این راه، مثل باشد. به همین جهت خدای سبحان حال او، آرزو و عمل او در طول زندگی‌اش را به‌عنوان سرمشق به تمام مؤمنین و مؤمنات معرفی می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۰۷: ج ۱۹، ص ۳۴۴)

۴-۵. صبر، پایداری و پیروزی

در آیات ۹۵ و ۹۶ سوره مبارکه نحل، شکیبایی و صبر بر عهد الهی از مقدمات ورود به حیات طیبه معرفی شده است. وَ لَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۵) مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۶)

بنابراین، از شاخصه‌های تحقق حیات طیبه، نهادینه‌شدن ملکه صبر و شکیبایی در وجود انسان است. این فضیلت اخلاقی، آرزویی است که سپاهیان طالوت در قالب دعا از خداوند طلب نموده‌اند. قرآن مجید، مسئله رویارویی دو لشکر طالوت و جالوت را مطرح می‌کند و می‌فرماید: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَخْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۵۰)، «و هنگامی که با جالوت و سپاهیان‌ش روبرو شدند، گفتند: پروردگارا! بر [دل‌های] ما شکیبایی فروریز و گام‌های ما را استوار دار و ما را بر گروه کافران پیروز فرما» سپاهیان طالوت که با آزمایش اراده و ایمان قلبی و فکری، رف روحشان برای فراگرفتن هرچه بیشتر صبر آماده شده بود، برای پر شدن خلأهای درونی خود از مبدأ فیاض

إفراغ صبر خواستند تا پایدار و پیروز شوند. (طالقانی، ۱۳۶۲: ج ۲، ۱۸۹) دومین تقاضای آنان نیز این است که «گام‌های ما را استوار بدار تا فرار نکنیم». (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۹۶)

۶. شاخصه‌های اجتماعی حیات طیبه

مواردی از ویژگی‌های حیات طیبه در بعد اجتماعی که در دعای انبیا و مؤمنان بدان اشاره شده در این بخش خواهد آمد که با توجه به آیاتی از قرآن کریم و نیز روایات متعدد، دانسته می‌شود که تحقق کامل این شاخصه‌ها در عصر ظهور امام زمان «عج الله تعالی فرجه الشریف» (که حیات طیبه در بالاترین مرتبه‌اش برای مؤمنین تجلی خواهد نمود) اتفاق خواهد یافت، لکن جامعه‌ای که در صدد فراهم نمودن شرایط ظهور است باید در بعد اجتماعی، برای رسیدن به این شاخصه‌ها همت گمارد.

۶-۱. امنیت و اقتصاد پویا

امنیت و اقتصاد سالم دو مورد از مهم‌ترین نشانه‌های جامعه‌ای ایمانی یا به عبارت دیگر، دو مورد از مهم‌ترین شاخصه‌های اجتماعی حیات طیبه به شمار می‌رود. خداوند متعال در آیه ۱۱۲ سوره مبارکه نحل، آنجا که از جامعه‌ای به عنوان نموه بر خوردار از نعمت الهی نام می‌برد، دو ویژگی امنیت و دارا بودن از اقتصاد پویا را برای آن برمی‌شمارد. «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمَنَةً مَّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ...»

حضرت ابراهیم خلیل (ع)، دومین پیامبر اولوالعزم، در دعای خود، امنیت و روزی فراوان را برای شهر مکه و مؤمنان ساکن آن آرزو می‌کند: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأَمَتُّهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (بقره: ۱۲۶) «و [یاد کنید] آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگارا! این [مکان] را شهری امن قرار ده و اهلش را آنان که به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند از هر نوع میوه و محصول روزی‌بخش. خدا فرمود: [دعایت را درباره مؤمنان اجابت کردم، ولی] هر که کفر ورزد بهره اندکی به او خواهم داد، سپس او را به عذاب آتش می‌کشانم و آن بد بازگشت گاهی است.»

خداوند متعال نعمت امنیت پایدار و اقتصاد پویا را مانند حیات طیبه، مشروط به ایمان و عمل صالح نموده است، آنجا که می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لَيبدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور، ۵۵)

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند، همان‌گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] کرد و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و محکم نماید و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به

امنیت کند، [تا جایی که] فقط مرا پرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند؛ و آنان که پس از این نعمت‌های ویژه ناسپاسی ورزند [در حقیقت] فاسق‌اند».

در این آیه شریفه سخن از استخلاف در زمین است که طبیعتاً یکی از نشانه‌های آن تمکن اقتصادی به شمار می‌رود و ویژگی امنیت نیز در آیه اشاره شده است.

علامه طباطبایی در المیزان آورده است: وعده استخلاف در آیه، جز با اجتماعی که با ظهور مهدی (عج) برپا می‌شود با هیچ اجتماعی قابل انطباق نیست و این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده و دنیا از روزی که پیامبر (ص) مبعوث به رسالت گشته تا کنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده، ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی (ع) خواهد بود، چون اخبار متواتری که از رسول خدا (ص) و اهل بیت (ع) در خصوصیات آن جناب وارد شده از انعقاد چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد. (طباطبایی، ۱۴۰۲: ج ۱۵، ۱۵۶)

ضمن آنکه ایشان موضوع امنیت در دوران ظهور را نیز مطابق همین آیه مورد اشاره قرار داده و می‌افزایند: این آیه وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنینی که عمل صالح دارند و به آنان وعده می‌دهد که به‌زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دیشان را در زمین متمکن می‌سازد و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند، امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان و از کفار و جلوگیری‌هایشان بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند. (همان، ص ۱۵۵)

۶-۲. خروج از دیار کفر

یکی از شاخصه‌های اجتماعی حیات طیب، زندگی در جامعه‌ای است که بر اساس توحید و یکتاپرستی بنا شده باشد. «از نظر اسلام، محیطی قابل زیست است که بتوان در آن آزادانه به عقیده صحیح خود عمل نمود؛ اما محیطی که خفقان آن را فراگرفته و مسلمانان در آنجا نمی‌توانند به احکام دین خود عمل کنند، قابل زیست نمی‌باشد و افراد با ایمان آرزو می‌کنند که از چنین محیطی که مرکز فعالیت ستمگران است خارج شوند». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۴، ۱۰۴). زندگی در چنین جامعه‌ای یکی از آرزوهای مؤمنان است که خداوند در سوره نساء اشاره می‌کند که آنها علاوه بر اینکه مؤمن‌اند، مظلوم و بیچاره و معذب‌اند و داد مظلومی سر می‌دهند و از خدا می‌خواهند که آنها را از دیار ظالمان خارج کند. آنها همچنین از خداوند می‌خواهند که ولی سرپرست، یار و یآوری برای آنها بفرستد «... الَّذِينَ يُقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ

نَصِيرًا». (نساء: ۷۵)

۳-۶. ایجاد الفت بین مؤمنین

الفت میان قلوب از شاخصه‌های حیات طیبه است چراکه امام صادق (ع) آن را از ویژگی‌های جامعه مهدوی که نمونه‌ای تام از حیات طیبه است، برمی‌شمارد: «در دوران قائم (عج) ما خداوند میان قلب‌های پراکنده الفت برقرار می‌کند...» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۳۹۵، ۲) امام علی (ع) نیز در این رابطه می‌فرماید: «چون قائم (عج) ما قیام کند... کینه‌ها از دل‌های بندگان برود.» (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ج ۶۲۶، ۲).

در قرآن کریم خداوند به مؤمنان تعلیم می‌دهد که آرزوهایشان را در جهت بنا نهادن جامعه‌ای بر اساس رأفت و مهربانی بین برادران ایمانی فارغ از هرگونه کینه و دشمنی قرار دهند لذا شرح حال عده‌ای را بیان می‌کند که تازه به اسلام گرویده‌اند و می‌گویند: «پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفته‌اند بیامرز و در دل‌هایمان نسبت به مؤمنان کینه قرار مده.» (حشر: ۱۰) بنابراین این آرزوی مؤمنان یانگر شاخصه اجتماعی حیات طیبه یعنی تألیف قلوب است.

۴-۶. نابودی کافران معاند

با توجه به این ویژگی کفار که همیشه مانع و سد راه ایمان دیگران بوده و هستند «الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ» (محمد: ۱)، یکی از بارزترین شاخصه‌های اجتماعی حیات طیبه، خالی بودن آن جامعه از کافرانی است که بخواهند یا بتوانند مؤمنین را تحت سلطه خود قرار داده و در مسیر تکامل آن‌ها خلل ایجاد نمایند. حضرت نوح (ع) اولین پیامبر اولوالعزم است که نهصد و پنجاه سال با صبر و شکیبایی مردم را به دین الهی دعوت کرده است، یکی از آرزوهای این پیامبر بزرگ الهی که در قرآن ذکر شده؛ نابودی معاندین، به‌عنوان بزرگ‌ترین مانع عبودیت و رستگاری مردم است؛ البته این تقاضا در شرایطی مطرح شده که حضرت نوح تمام تلاش و کوشش‌های مستمر خود را برای ایمان آوردن آن‌ها می‌نماید و پس از نومی‌دی از هدایت آن‌ها به‌سوی خدا شکایت می‌برد: «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا» (نوح: ۲۶) این آرزو به طریق دیگری نیز از لسان حضرت نوح (ع) بیان می‌گردد: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا» (نوح: ۲۸) البته باید به این نکته توجه کرد که پیامبران مظهر رحمت الهی بوده و همیشه با امت‌ها و اطرافیان خود با رحمت و رأفت رفتار می‌کردند و همه‌گونه آزار و اذیت را در راه هدایت بندگان به جان می‌خریدند و اگر می‌بینیم که حضرت نوح (ع) پس از ۹۵۰ سال تبلیغ، لب به هرنمی‌گشاید، برای نفرین خود چنین استدلال می‌کند که اگر آن‌ها را واگذاری، بندگان را گمراه می‌کنند و جز نسلی کافر و فاجر به وجود نمی‌آورند: «أَنْتَكَ إِن تَذَرَهُمْ

يُضِلُّوْا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوْا اِلَّا فَاَجْرًا كَفٰرًا» (نوح: ۲۷) ضمن آنکه از این آیات برمی آید که عذاب الهی بر اساس حکمت است و جمعیتی که فاسد و مفسد باشند و نسل‌های آینده آن‌ها نیز در خطر گواهی و فساد قرار گیرند در حکمت خداوند حق حیات ندارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۵، ۸۹)

۵-۶. تعلیم و تزکیه امت‌ها

تعلیم و تزکیه دو بال پرواز به سوی ملکوت و تکامل هستند. هیچ جامعه‌ای بدون تعلیم و تزکیه رشدی نخواهد داشت. خدامحوری، ایمان حقیقی، بصیرت، ظلم‌ستیزی، حق‌طلبی، از ثمرات تعلیم به همراه تزکیه است که حاکمان مستبد و استثمارگر و زورگو از نشر آن بیم داشتند و تلاش می‌کردند تا علم را به عنوان یک ابزار در خدمت منافع دنیوی خود نگه دارند و از فراگیر شدن آن که باعث ارتقای بینش و بصیرت و حقیقت‌طلبی جامعه می‌شود جلوگیری کنند. لکن حاکمان و فرستادگان الهی که هدف اصلی‌شان ایجاد حیات طیبه برای انسان‌ها در جهت تقرب به خداوند بود، دورکن اصلی برای این حرکت عظیم را در تعلیم و تزکیه می‌دانستند و از این رو همه تلاش خود را در جهت بسط و ترویج علم و اخلاق بکار گرفتند و ارزش آدمی را به این دو مقوله گره زدند تا آنجا که یکی از آرزوهای آنان متصف شدن همه بشریت به علم و خودسازی گردید.

حضرت ابراهیم نیز بر اساس آیات قرآن کریم خواستار برانگیختن رسولی است که ذریه‌اش را کتاب و حکمت بیاموزد و پاک و پاکیزه‌شان گرداند. «رَبَّنَا وَ اَبْعَثْ فِيْهِمْ رَسُوْلًا مِّنْهُمْ يَتْلُوْا عَلَيْهِمْ اٰیٰتِكَ وَ يَعْلَمُوْنَ الْكِتٰبَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يَزَكِّيْهِمْ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ» (بقره: ۱۲۹) «پروردگارا، در میان آنان، فرستاده‌ای از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه‌شان کند، زیرا که تو خود، شکست‌ناپذیر حکیمی.» مفسران فریقین به استناد روایات، مراد از رسول در این آیه را حضرت محمد (ص) می‌دانند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۸۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۴۴۹) از جمله آن روایات، حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (ص) است که فرمودند: «اَنَا دَعْوَةُ اَبِيْ اِبْرٰهِيْمَ» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ج ۴، ۳۶۹) «من، از دعای پدر خود، ابراهیم (ع) هستم.»

که در آیه مورد بحث، یکی از اهداف تقاضای ظهور پیامبر اسلام (ص)، تزکیه و پاکسازی است تا آلائش شرک را از قلب مردم بزدايد (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۸۹) و نیز رک: فضل‌الله، ۱۴۱۹: ج ۳، ۳۴) و آن‌ها را نسبت به خداوند مطیع و مخلص گرداند. (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۲، ۶۲)

۶-۶. دریافت حکمت و زیستن در حکومت صالحین

از آنجا که اعطای حکمت به مردم و برقراری حکومت صالحان در زمین از ویژگی‌های جامعه در زمان ظهور حضرت مهدی (عج الله فرجه الشریف) بیان شده است، می‌توان دریافت که این دو مهم، از شاخصه‌های اجتماعی حیات طیبه به شمار می‌روند. امام باقر (ع) در این خصوص می‌فرماید: «در زمان ظهور، به مردم حکمت عطا می‌شود.» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۹) و اما گواه بر اینکه حکومت مهدی (ع) و امت آخرالزمان حکومت صالحان است روایاتی است که ذیل آیه شریفه ۱۰۵ سوره انبیاء، آمده: «و ما در زبور - پس از تورات - نوشته‌ایم که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد.» از امام باقر (ع) روایت شده که در تفسیر آیه فرمودند: «ایشان اصحاب مهدی (ع) هستند در آخرالزمان» (رک: طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۱۶، ۱۷۲).

این دو مورد در آرزو و دعای حضرت ابراهیم (ع) آمده است: «رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ اَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (شعراء: ۸۳) «ای پروردگار من، مرا حکمت بخش و مرا به شایستگان پیوند.» در توضیح مطلب توجه به دو نکته ضروری است:

۱- حکم و حکمت از یک ریشه‌اند. به گفته‌ی راغب در مفردات: حکمت رسیدن به حق از طریق علم و آگاهی و شناخت موجودات و افعال نیک است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۲۴۸) و این همان چیزی است که بعضی از فلاسفه از آن به‌عنوان کمال قوه نظریه تعبیر کرده‌اند. همان حقیقتی که لقمان از ناحیه‌ی خدا دریافت کرده بود: «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ اَنْ اَشْكُرَ لِلّٰهِ وَ مَنْ يَشْكُرْ فَاِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (لقمان: ۱۲) و به‌عنوان خیر کثیر در آیه ۲۶۹ بقره از آن یاد شده است: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ اُوْتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا...» (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۳، ۳۳۰ و نیز رک: فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۴، ۳۳۳؛ و...)

علامه جعفری معتقد است «حکمت» عبارت است از: معرفت لازم برای شناخت و دریافت اصول و قواعد کمال در عرصه دنیا و سرای ابدیت و به‌کار بستن آن‌ها در مسیر حیات معقول. (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۴۹)

۲- درک حکمت در آیه شریفه بی‌ارتباط با پیوستن به صالحین نیست؛ زیرا درک حکمت بر اساس تعریفی که برای آن در عبارات فوق صورت گرفت از آن جهت که موهبت ویژه الهی است که خدا به بندگان خاص عطای نموده و انسان به‌وسیله آن به درک حقایقی می‌رسد که برای همه امکان‌پذیر نیست، شایستگی و لیاقت و آمادگی می‌خواهد و

این شایستگی تنها در انسان‌های وارسته است. گرچه در اعصار مختلف انسان‌های فراوانی به درک حکمت الهی نائل آمدند اما این موهبت در هر عصری نصیب نخبگان دینی و علمی معدودی می‌شد و یک اصل فراگیر نبود. لکن به گواه روایات فراوان، این موهبت در عصر ظهور شامل حال بسیاری از مردم می‌شود به گونه‌ای که اکثر مردم به این فیض عظیم نائل می‌شوند و این موضوع به دلیل شایستگی و لیاقت این امت است که در پرتو وارستگی و تقوا و نخبگی و ایمان قوی بدان می‌رسند. به عبارتی امت آخرالزمان چون وارثان صالح زمین هستند از موهبت حکمت برخوردارند. براین اساس می‌توان گفت تعلیم حکمت قدسی، بارزترین ویژگی عصر ظهور است چراکه در این دوران مردم در پرتو این تعالیم، پاک‌گزین و خیرگرمی‌شوند و از نیروی دانش و خرد، در جهت نورانیت و معنویت درون استفاده می‌کنند. (کارگر، ۱۳۸۹: ۲۸)

نهایتاً اینکه، ثمره این حکمت‌آموزی در عصر ظهور باعث درمان و ریشه‌کنی نادانی و فزونی علم و دانایی می‌گردد: «او (حضرت مهدی) مانند پیامبر (ص) نشانه‌های جاهلیت را از بین می‌برد.» (همان: ۲۳۱)

شهید مطهری معتقد است در آیه: «انَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ صحبت از منطقه و محل و شهر نیست، اصلاً فکر آن قدر بزرگ و وسیع است که سخن از تمام زمین است (مطهری، بی تا: ج ۱۸، ۱۶۸)

۶-۷. عبودیت حقیقی در سایه نماز

خداوند متعال در سوره حج، از چند ویژگی به‌عنوان شاخصه‌های اجتماعی حیات طیبه نام می‌برد: (الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَقِبَهُ الْأُمُورِ) (حج: ۴۱)

در میان این موارد، اقامه نماز، شاخصه‌ای است که حضرت ابراهیم در قالب دعا برای ذریه‌اش آرزو نموده است: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ» (ابراهیم: ۴۰) در تفسیر المنیر پیرامون این دعای حضرت ابراهیم چنین آمده است: «مراد از اقامه نماز، به جا آوردن آن با تمام آداب ظاهری و باطنی و حفاظت بر حدود آن است و اینکه از میان سایر عبادات، نماز را در دعای خود آورده به این خاطر است که نماز، پایه و ستون ایمان و وسیله تطهیر نفوس از فحشا و منکر است.» (زحیلی، ۱۴۱۸: ج ۱۳، ۲۶۶)

از این رو آرزوی برپاداشتن نماز، اخلاص عمیق ابراهیم (ع) را نسبت به عبودیت خدا نشان می‌دهد و پاسخی است به ندای الهی که بندگانش را به حرکت در راه مستقیم فرامی‌خواند؛ لذا پس از این

تقاضا از خداوند می‌خواهد که دعایش را پذیرد، (رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءَ) درخواست پذیرش دعا به این خاطر است که این پذیرش مظهري است برای رضای خدا و در سایه اجابت دعا، انسان خود را در میدان رحمت و لطف پروردگار مشاهده می‌کند. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ج ۱۳، ۱۲۱)

بر اساس آیه ۴۱ سوره حج می‌توان گفت آرزوی نمازگزار بودن ذریه ابراهیم (ع) که شامل تمامی یکتاپرستان در سراسر جهان می‌شود در شرایطی محقق می‌شود که بندگان صالح خدا زمام امور را در دست داشته باشند و این امر نیز تحقق نمی‌یابد مگر در دوران ظهور امام عصر (عج) که زعامت تمامی جهان در ید قدرت ایشان متجلی خواهد شد.

رهبر معظم انقلاب نیز در این باب می‌فرماید: «اقامه نماز، نخستین ثمره و نشانه حکومت صالحان است و در رتبه بعد از آن است که نوبت به ((زکوه)) به مثابه تنظیم مالی جامعه و ریشه کن کردن فقر و نیز امر به معروف و نهی از منکر یعنی سوق دادن به نیکی‌ها و بازداشتن از بدی‌ها می‌رسند. (الَّذِينَ إِن مَّكَّانَهُمْ...) اقامه نماز فقط این نیست که صالحان، خود نماز بگذارند. این چیزی نیست که بر تشکیل حکومت الهی متوقف باشد بلکه باید این ستون دین در جامعه، به پا داشته شود و همه کس با رازها و اشاره‌های آن آشنا و از برکات آن برخوردار گردند.»^۱

۶-۸. سلب قدرت دشمن

از شاخصه‌های اجتماعی حیات طیبه آن است که در چنین اجتماعی، قدرت و نفوذ در اختیار حاکمان الهی باشد نه دشمنان و ظالمان. حاکمان زور و زر همیشه باتکیه بر قدرت و توانایی مالی و مادی خود تلاش در استثمار مردم و افراد ضعیف‌الحال داشتند و این‌گونه وانمود می‌کردند که امنیت و سلامت و رزق در همراهی با ماست و هر کس غیر ماست بهره‌ای از عافیت نخواهد برد و با این ترفند بسیاری از مردم ساده‌دل را به سوی خود کشانده و گمراه می‌نمودند؛ از این رو یکی تقاضاهای حضرت موسی (ع) که در قرآن به آن‌ها اشاره شده، نابودی اموال و شد قلوب کافران است. حضرت موسی (ع) در سوره یونس، نابودی اموال فرعون و اتباعش را از خداوند تقاضا می‌کند زیرا با صدمه دیدن در این جهت، قدرت و توانایی و شوکت خارجی آنان به هم می‌خورد و تظاهرات و جلوه‌های مادی آنان مختل شده، آماده زوال و نیستی خواهند شد. بر این اساس در آیه ۸۸ سوره یونس می‌خوانیم: «و موسی گفت: پروردگارا! تو به فرعون و اشرافش در زندگی دنیا زیور و اموال داده‌ای، پروردگارا تا [خلق را] از راه تو گمراه کنند، پروردگارا! اموالشان را نابود کن و آنان را

۱. آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰: پیام به اجلاس سراسری نماز- مشهد مقدس

راضیه مظفری ❖ ۸۲۱

دل سخت گردان که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند.» مفسرین معتقدند که پس از این نفرین، اموال فرعونیان به صورت سفال و سنگ در آمد. (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۱۱، ۳۴۷؛ و نیز ر.ک: مصطفوی، ۱۳۸۰: ج ۱۱، ۸۹)

این سیاست استکباری در طول تاریخ برای زورگویان بوده و از آن به عنوان ابزاری برای استثمار بهره می‌جستند چنان که امروزه هم استکبار جهانی با در دست گرفتن دانش و فناوری روز و انحصار آن و تکیه بر سرمایه‌های به غارت گرفته از مردم دنیا و سلاح‌ها و تجهیزات پیشرفته، اکثر کشورهای جهان سوم و مردمان آن را در مقابل خود به تعظیم واداشته و وابسته کرده‌اند. انبیاء و اولیاء الهی در همه قرون یکی از راه‌های نجات ملت‌ها و امت‌ها را از شر این نظام‌های نامشروع، اجرای عدالت و گرفتن حقوق مظلومین می‌دیدند. لکن علی‌رغم زحمات و رنج‌های فراوان تاکنون کسی نتوانسته عدالت تام را برپا کند و حق همه مظلومین را بستاند؛ اما این آرزو هم مثل سایر آمال انبیا محقق خواهد شد، زیرا خداوند متعال وعده نصرت را به همه مظلومان داده است.

بر اساس آیات و روایات، مهم‌ترین شاخصه حکومت مهدوی در عصر ظهور، نابودی ظلم و جور و برپایی عدالت فراگیر و همه‌جانبه است، لذا طبیعی می‌نماید اگر در آن حکومت، حقوق پایمال‌شده انسان‌های مظلوم، ولو در چنگال ظالمین و ستمگران هم که باشد، باز پس گرفته شده و به صاحبان اصلی آن، بازگردانده شود. در حدیثی از امام کاظم (ع) آمده است: «... به دست او هر جبار سرسختی نابود می‌شود و هر شیطان سرکشی نابود می‌گردد.» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۶۹).

۶-۹. پیروزی نهایی حق بر باطل

مؤمنین، علاوه بر صبر و ثبات قلم که از شاخصه‌های فردی حیات طیبه محسوب می‌شود، پیروزی بر کفار را در جهت رسیدن به جامعه‌ای توحیدی از خداوند تمنا می‌کنند: «رَبَّنَا أفرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أقدامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۵۰) مفسرین در تأویل این آیه معتقدند که در حقیقت دعای اول جنبه باطنی و درونی و دعای دوم جنبه ظاهری و برونی دارد و مسلماً ثبات قلم از نتایج روح استقامت و صبر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۲۴۶) تقاضای نهایی آنان پیروزی بر کفار است که در واقع هدف اصلی را تشکیل می‌دهد و صبر و ثبات قلم، دو مقدمه برای رسیدن به پیروزی است.

، خداوند متعال در آیه ۵۲ سوره حج، از یک آرزوی مشترک بین همه انبیاء و رسولان الهی خبر می‌دهد: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أَمْنِيهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكُمُ اللَّهُ بَيْنَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ «و پیش از تو هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم

۸۲۲ ♦ شاخصه‌های فردی و اجتماعی حیات طیبه در قرآن...

مگر آنکه هرگاه آرزو می‌کرد [اهداف پاک و سعادت‌بخش خود را برای نجات مردم از کفر و شرک پیاده کند] شیطان [برای بازداشتن مردم از پذیرش حق] در برابر آرزویش شبهه و وسوسه می‌انداخت، ولی خدا آنچه را شیطان [از وسوسه‌ها و شبهه‌ها] می‌اندازد می‌زداید و محو می‌کند، سپس آیاتش را محکم و استوار می‌سازد و خدا دانا و حکیم است.» (انصاریان، ۱۳۸۳: ۳۳۸)

اکثر مفسران بر آنند که مراد از آرزوی پیامبران در آیه مورد بحث، طرح‌ها و برنامه‌های پیامبران برای پیشرفت دینشان و یا فراهم شدن اسباب پیشرفت آن و ایمان آوردن مردم به آن بود و القاء شیطان در اُمنیة پیامبران و دخالت او در آرزوی آنان، به این طریق بود که مردم را نسبت به دین آن‌ها و وسوسه می‌کرد و ستمکاران را بر علیه آن‌ها تحریک و مفسدین را اغوا می‌کرد و بدین وسیله آرزوی آنان را فاسد و بی‌نتیجه می‌ساخت ولی سرانجام خداوند، دخل و تصرفات شیطانی را نسخ و زایل نموده و آیات خودش را حاکم می‌نمود و کوشش پیغمبر و رسولش را به نتیجه می‌رساند و حق را اظهار می‌نمود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۵۵۳، ۱۴ و نیز ر.ک: طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۱۴۵، ۷؛ قرشی، ۱۳۷۷: ج ۶۶، ۷)

تجربه گذشته بشریت نشان می‌دهد که این آرزو به صورت کامل و جامع تا کنون محقق نشده است و می‌توان انتظار آن را داشت که خداوند در پاسخ به این آرزوی قلبی مشترک انبیا شرایطی را در جهان حاکم کند که این آرزو قابلیت تحقق پیدا کند.

لذا شاهد آن هستیم که در خصوص تحقق این آرزو روایات مختلفی در منابع روایی مسلمانان ذکر شده است که نقطه مشترک تمامی آن‌ها دوران ظهور است.

به‌عنوان مثال وهب بن جمیع می‌گوید: از حضرت صادق (ع) پرسیدم: اینکه خداوند به شیطان فرمود: «قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»، این وقت معلوم چه زمانی است؟ آن حضرت فرمود: خداوند تا روز قیام قائم ما به شیطان مهلت داده است. وقتی قائم قیام می‌کند آن هنگام، روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می‌رسد. (عیاشی، ۱۳۸۰: ق: ۲/۲۴۲)

اگر شیطان را به عنوان رهبر گروه باطل بدانیم یک وجه نابودی او در عصر ظهور از بین رفتن باطل در آن دوران خواهد بود. مطالب ارائه شده در برخی تفاسیر، پیرامون آیه «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء: ۸۱) مؤید این موضوع است. به‌عنوان مثال؛ در تفسیر نمونه آمده است: «بر اساس احادیث، قیام مهدی (عج) از روشن‌ترین مصداق‌های این آیه است و نتیجه آن، پیروزی نهایی حق بر باطل در سراسر جهان است. این قانون کلی الهی و

قاموس تخلف‌ناپذیر آفرینش (پیروزی حق)، در هر عصر و زمانی، مصداقی دارد. قیام [و بعثت] پیامبر و پیروزی آن حضرت بر لشکر شرک و بت‌پرستی و نیز قیام مهدی (عج) بر ستمگران و جبّاران جهان، از چهره‌های روشن و تابناک آن قانون عمومی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۲، ۲۳۵) روایات دیگری نیز در همین راستا از معصومین وارد شده است. مثلاً امام باقر (ع) می‌فرماید: «بهر حال؛ این وعده قطعی و حتمی خداوند، تخلف نمی‌پذیرد و حقّ با تمام توان و شکوه به پیروزی می‌رسد.» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۸، ۲۸۷) لذا از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود (عج) آخرین مرحله از مبارزات حقّ در برابر باطل است. او تحقق‌بخش آرمان‌ها و خواسته‌های همه پیامبران و اولیای الهی است. شهید مطهری در این رابطه معتقد است: «از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود (عج) آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است مهدی موعود تحقق‌بخش ایده‌آل همه انبیا و اولیا و مردان مبارز راه حق است (مطهری، بی تا، ج ۲۴، ۴۴۲). ایشان همچنین می‌افزاید: «انسان نیز تدریجاً از لحاظ ارزش‌های انسانی به مراحل کمال خود یعنی به مرحله انسان ایده‌آل و جامعه ایده‌آل نزدیک‌تر می‌شود تا آنجا که در نهایت امر حکومت عدالت یعنی حکومت کامل ارزش‌های انسانی - که در تعبیرات اسلامی از آن به «حکومت مهدی» تعبیر شده است - مستقر خواهد شد و از حکومت نیروهای باطل و حیوان‌مآبانه و خودخواهانه و خودگرایانه اثری نخواهد بود (همان: ۲۴، ۴۲۷).

نتیجه‌گیری

پیامبران الهی و مؤمنان راستین که نمونه‌های عینی ایمان آورندگان و عاملین به عمل صالح و در نتیجه از راه‌یافتگان به حیات طیبه هستند، آمال و آرزوهای خود را در قالب دعا از درگاه خداوند متعال تمنا کرده‌اند که قرآن کریم به نمونه‌هایی از این دعاها اشاره نموده است. با بررسی این دعاها، به مجموعه‌ای از شاخصه‌های فردی و اجتماعی حیات طیبه دست یافتیم که عبارتند از (هدایت، مصونیت از لغزش‌ها، نیل به مقام عنداللهی، صبر و پایداری و...؛ سلب قدرت دشمنان و نابودی آنان، پیروزی بر کفار، امنیت پایدار و اقتصاد پویا و...). معرفت به ویژگی‌های حیات طیبه، به انسان‌ها کمک می‌کند که در قدم اول، آن‌ها نیز با الگوگیری از هدایت‌یافتگان، این موارد را از آمال و آرزوهای خود قرار داده و در قدم بعد، تمام همت خود را در راه دستیابی به آن‌ها به کار گیرند؛ زیرا هر قدر که در راه دستیابی به این شاخصه‌ها موفقیت بیشتری یابند در واقع به حیات طیبه نزدیک‌تر شده‌اند. در خصوص شاخصه‌های

۸۲۴ ♦ شاخصه‌های فردی و اجتماعی حیات طیبه در قرآن...

اجتماعی حیات طیبه که در دعا‌های مذکور آمده است، با توجه به وعده الهی مبنی بر تشکیل آرمان‌شهری به رهبری امام معصوم، در می‌یابیم که تحقق کامل آن شاخصه‌ها در عصر ظهور مهدی موعود (عج الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود، لکن اهتمام به دستیابی و برقراری نسبی این شاخصه‌ها در جامعه توسط مؤمنین، زمینه را برای تشکیل جامعه مهدوی فراهم خواهد نمود.

منابع

- قرآن کریم (۱۴۱۵ق)؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- قرآن کریم (۱۳۸۳ش)؛ ترجمه حسین انصاریان، قم، نشر اسوه.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)؛ **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، بیروت، دارالکتاب العلمیه.
- ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی ملقب به شیخ صدوق (۱۳۹۵ق)؛ **کمال الدین و تمام النعمه**، تهران، نشر اسلامی، چاپ دوم.
- ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی ملقب به شیخ صدوق (۱۳۶۲ش)؛ **الخصال**، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی ملقب به شیخ صدوق (۱۴۰۴ق)؛ **من لا یحضره الفقیه**، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- ابن فارس، ابوالحسین احمد (۱۴۲۲ق)؛ **معجم مقاییس اللغه**، تحقیق محمد عوض مرعب و ...، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)؛ **لسان العرب**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)؛ **کشف الغمه**، تبریز، مکتبه هاشمی.
- پورافکاری، نصرت‌الله (بی تا)؛ **فرهنگ جامع روان‌شناسی روانپزشکی**، تهران، نشر فرهنگ معاصر، چاپ دوم.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸ش)؛ **عرفان اسلامی**، تهران، مؤسسه نشر و تدوین آثار علامه جعفری.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)؛ **وسائل الشیعه**، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- دوانی، علی (۱۳۷۸ش)؛ **مهدی موعود (علیه السلام)**، تهران، انتشارات اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷ش)؛ **لغت‌نامه**، تهران، انتشارات دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق)؛ **المفردات فی غریب القرآن**، محقق: صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالشامیه.
- روحی بعلیکی (۲۰۰۵م)؛ **المورد** (قاموس عربی انگلیسی)، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ نوزدهم.

- زحلی، وهبه بن مصطفى (۱۴۱۸ق)؛ **التفسير المنير في العقيدة و الشريعة و المنهج**، بيروت دمشق، دار الفكر المعاصر، چاپ دوم.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)؛ **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل**، بيروت، دارالكتاب العربي، چاپ سوم.
- سيوطی، جلال الدين عبدالرحمن (۱۴۲۰ق)؛ **الاتقان في علوم القرآن**، بيروت، دارالفكر.
- سيوطی، جلال الدين عبدالرحمن (۱۴۰۸ق)؛ **معتوك الاقران في اعجاز القرآن**، بيروت، دارالكتب علميه.
- صافي گلپایگانی، لطف الله (۱۴۲۲ق)؛ **منتخب الأثر في الإمام الثاني عشر عليه السلام**، قم، دفتر مؤلف.
- طالقانی، سيد محمود (۱۳۶۲ش)؛ **پرتوی از قرآن**، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
- طباطبائی، سيد محمد حسين (۱۳۷۴ش)؛ **الميزان في تفسير القرآن**، مترجم: سيد محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامي، چاپ پنجم.
- طباطبائی، سيد محمد حسين (۱۴۱۷ق)؛ **الميزان**، قم، دفتر انتشارات جامعه اسلامي حوزه علميه قم.
- طبرسي، فضل بن حسن (۱۳۶۰ش)؛ **مجمع البيان في تفسير القرآن**، ترجمه: مترجمان، تهران، انتشارات فراهانی.
- عثمان، عبدالکريم (۱۳۶۷)؛ **روانشناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامي**، مترجم: سيد محمداقرا حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، چاپ نهم.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)؛ **تفسير نور الثقلين**، قم، انتشارات اسماعيليان، چاپ چهارم.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)؛ **تفسير العیاشی**، تهران، چاپخانه علميه.
- فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)؛ **مفاتيح الغیب**، بيروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهيم (۱۴۱۰ق)؛ **تفسير فرات الكوفي**، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامي.
- فراهیدی، خليل بن احمد (۱۴۱۴ق)؛ **ترتيب كتاب العين**، محقق: المخزومی، ابراهيم السامرائی، قم، انتشارات اسو.
- فضل الله، سيد محمد حسين (۱۴۱۹ق)؛ **من وحي القرآن**، بيروت، دار الطباعة و النشر.
- فيض کاشانی، محسن (۱۴۱۵ق)؛ **تفسير الصافي**، تحقيق: حسين اعلمی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش)؛ **تفسير نور**، تهران، مرکز فرهنگي درس هايی از قرآن.
- قرشي، سيد علی اکبر (۱۳۷۷ش)؛ **احسن الحديث**، تهران، بنياد بعثت.
- قمی، علی بن ابراهيم (۱۳۶۷ش)؛ **تفسير قمی**، قم، دارالكتاب، چاپ چهارم.

۸۲۶ ♦ شاخصه‌های فردی و اجتماعی حیات طیبه در قرآن...

- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۳۸۰ش)؛ **ینایع الموده لذوی القربی**؛ تهران، سازمان حج اوقاف و امور خیریه، اسوه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)؛ **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کارگر، رحیم (۱۳۸۹ش)؛ **تعلیم و تربیت در عصر ظهور**، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)؛ **بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الأطهار (ع)**، بیروت، انتشارات وفاء.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵ش)؛ **فرهنگ نامه آرزو**، مترجم: حمیدرضا شیخی، قم، انتشارات دارالحديث.
- محمود، منصور، دادستان، پری‌رخ، راد، مینا (بی تا)؛ **لغت نامه روانشناسی**، (بی جا).
- مدرسی، سید محمدتقی (۱۳۷۷ش)؛ **تفسیر هدایت**، ترجمه مترجمان، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- مزلو، ابراهام اچ (۱۳۶۷ش)؛ **انگیزش و شخصیت**، مترجم: احمد رضوانی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۹ش)؛ **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، ایران، دائرة العامه للمراکر و العلاقات الثقافیه.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۰ش)؛ **تفسیر روشن**، تهران، مرکز نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (بی تا)؛ **سیری در سیره ائمه اطهار**، مجموعه آثار، تهران، بی جا.
- معین، محمد (۱۳۸۱ش)؛ **فرهنگ فارسی یک جلدی**، تهران، انتشارات معین.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)؛ **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)؛ **الغیبه للنعمانی**، تهران، نشر صدوق.
- Alousi, Seyyed Mahmud (1994); "Rooh al-Ma'ani in Tafsir al-Qur'an al-Azeem", Beirut, Dar al-Kitab al-Alamiyeh.
- Arusi Al-Hoveizi, Abdul Ali bin Juma'a (1994); "Tafsir Nur al-Saghalin", Qom, Ismailian Publications, 4th edition.
- Ayyashi, Mohammad Bin Massoud (1960); "Tafsir Ayyashi", Tehran, Scientific Printing House.
- Davani, Ali (1999); "Mahdi Mououd (peace be upon him)", Tehran, Islamiyah Publications.
- Dekhoda, Ali Akbar (1998); "Dictionary", Tehran, Publications of Faculty of Literature, University of Tehran.
- Erbali, Ali bin Isa (1961); "Kashf al-ghumma", Tabriz, Hashemi School.
- Fakhre razi, Abu Abdullah Muhammad bin Omar (1999); "Mafatih al-Ghaib", Beirut, Dar Ahya al-Torath al-Arabi, third edition.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad (1993); "Al-Ain", researcher: Al-Makhzoumi, Ebrahim Al-Samrai, Qom, Osveh Publications.
- Fazlullah, Seyyed Muhammad Hossein (1998); "Men Wahi Al-Qur'an", Beirut, Dar Taba'ah -Va- Al-Nashar.
- Feize Kashani, Mohsen (1994); "Tafsir Al-Safi", Research: Hossein Aalami, Tehran, Sadr Publications, second edition.

- Forat Kufi, Abu al-Qasim Forat bin Ibrahim (1989); “**Tafsir Forat al-Kufy**”, Tehran, Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance.
- Ghundozi, Suleiman bin Ibrahim (2001); “**Yanabi Al-Mavadda...**”; Tehran, Hajj and endowment organization, Osveh Publications.
- **Holy Quran** (2004); Translated by Hossein Ansarian, Qom, Osveh Publishing House.
- **Holy Quran** (1994); Translated by Mohammad Mahdi Foula vand, Tehran, Dar al-Qur'an al-Karim (Department of Islamic History and Knowledge Studies).
- Hurr al-Amili, Muhammad bin Hassan (1988); “**Wasa'il al-Shia**”, Qom, Aal-Al-Bayt Institute.
- Ibn Babawayh, Abu Ja'far Muhammad bin Ali nicknamed Sheikh Sadouq (1975), “**Kamal al-Din and Tammam al-Naimah**”, Tehran, Islamiyah Publishing House, 2nd edition.
- Ibn Babawayh, Abu Ja'far Muhammad bin Ali nicknamed Sheikh Sadouq (1983); “**Al-Khisal**”, Qom, Modaresin Society Publications.
- Ibn Baboyeh, Abu Ja'far Muhammad bin Ali nicknamed Sheikh Sadouq (1983); “**Man La Yahzaroh al-Faqih**”, Qom, Jamia Modaresin Publications.
- Ibn Faris, Abul Hossein Ahmad (2001); “**Moajim Maqayis Al-Loghah**”, Research by Mohammad Ivaz Marab and...., Beirut, Dar Ahya Al-Torath Al-Arabi.
- Ibn Manzoor, Muhammad ibn Mukarram (1987); “**Lisan-Al-Arab**”, Beirut, Dar Ehiya al-Torath al-Arabi Publishing House.
- Jafari, Mohammad Taghi (1999); “**Islamic mysticism**”, Tehran, Allameh Jafari publishing and editing institute.
- Kargar, Rahim (2010); “**Education and training in the end of time Mahdism**”, Qom, Hazrat Mahdi Mououd Cultural Foundation.
- Koleini, Muhammad bin Yaqub (1986); “**Al-Kafi**”, Tehran, Darul Kitab al-Islamiya
- Mahmoud, Mansour. Dadsetan, Pari Rokh. Rad, Mina (No Date); “**Dictionary of psychology**”, (Unspecified publications).
- Majlesi, Mohammad Bagher (1983); “**Bihar al-Anwar**”, Beirut, Wafa Publications.
- Makarem Shirazi. Naser (1995); “**Tafsir Nemooneh**”, Tehran, Islamic Bookstore.
- Maslow, Abraham H. (1988); “**Motivation and personality**”, translator: Ahmad Rezvani, Mashhad, Astan Quds Razavi Publishing House.
- Modarresi, Seyyed Mohammad Taghi (1998); “**Tafsir Hedayat**”, translated by translators, Mashhad, Astan Quds Razavi Research Foundation.
- Mohammadi Reyshahri, Mohammad (2006); “**Arezo dictionary**”, translator: Hamid Reza Shaikhi, Qom, Dar al-Hadith publishing house.
- Moin, Mohammad (2002); “**Persian dictionary**”, Tehran, Moin Publications
- Mostafavi, Hassan (1990); “**Research in the words of the Holy Qur'an**”, Iran, Department of Public Centers and Cultural Relations.
- Mostafavi, Hassan (2001); “**Tafsir Roshan**”, Tehran, Book publishing center.
- Motahari, Morteza (No Date); “**A survey into the lives of the infallible Imams**”, a collection of works, Tehran, (Unspecified publications).
- Nomani, Muhammad bin Ibrahim (1976); “**Al-Ghaiba Nomani**”, Tehran, Sadouq Publishing.
- Osman, Abdul Karim, (1988); “**Psychology from the point of view of Ghazali and Islamic scholars**”, translator: Seyyed Mohammad Baqer Hojjati, Tehran, Islamic Farhang Publishing House, 9th edition.

- Purafkari, Nusratullah (No Date); **“Comprehensive Encyclopedia of Psychiatric Psychology”**, Tehran, Contemporary Farhang Publishing House, second edition.
- Qaraeti, Mohsen (2004); **“Tafsir Noor”**, Tehran, Lessons from Quran Cultural Center.
- Qorashi, Seyyed Ali Akbar (1998); **“Ahsan Al-Hadith”**, Tehran, Bisat Foundation.
- Qomi, Ali bin Ibrahim (1988); **“Tafsir Qomi”**, Qom, Dar al-Kitab, 4th edition.
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1995); **“Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an”**, researcher: Safwan Adnan Davoudi, Beirut, Dar al-Shamiya.
- Rohi Ba'Albaki (2005); **“Al-Mawred (Arabic-English dictionary)”**, Beirut, Dar al-Alam Lamlayin, 19th edition.
- Safi Golpaigani, Lotf Allah (2002); **“Selected impact on the twelfth imam (peace be upon him)”**, Qom, author's office pub.
- Siyuti, Jalaluddin Abdurrahman (1978); **“Mu'tarak al-Iqran fi Ijaz al-Qur'an”**, Beirut, Daral-e-Kitab-Al-Elmia
- Siyuti, Jalaluddin Abdurrahman (2000); **“Al-Itqan fi Ulum al-Qur'an”**, Beirut, Dar al-Fekr.
- Tabarsi, Fazl bin Hassan (1981); **“Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an”**, translation: Translators, Tehran, Farahani Publications.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1995); **“Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an”**, translator: Seyyed Mohammad Bagher Mousavi Hamedani, Qom, Islamic Publishing House, fifth edition.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1996); **“Al-Mizan”**, Qom, Publication Office of Islamic Society of Qom.
- Taleghani, Seyed Mahmoud (1984); **“A ray of the Qur'an”**, Tehran, publishing company, 4th edition.
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar (1977); **“Al-Kashshaaf on the truths of Ghwamez al-Tanzil”**, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi, third edition.
- Zuhayli, Wahbah Mustafa (1997); **“Al-Tafsir Al-Munir Fi Al-Aqeedah..”** Beirut, Damascus, Dar al-Fekr al-Maaser, second edition.